

تقی روز به : طیف بندی گفتمانی و چند چالش مهم جنبش زنان

هشت مارس، نما دهمبارزه بی وقفه زنان برای برابری و آزادی است

امروزه در مقیاس جهانی می توان گرایش روزافزونی در جهت رادیکال تر شدن جنبش فمینیستی و مطالبات آن را مشاهده کرد. از جمله در اسپانیا می توان شکل گیری و عناصرگفتمانی یک جنبشی فمینیستی با سویه های ضدسرمایه داری و گرایش به چپ را تحت عنوان «مانیفست فمینیستی، برای جامعه ای بدون استثمار، خشونت و سرکوب سکسیستی و شورش و مبارزه بر ضد اتحاد پدرسالاری و سرمایه داری که از ما می خواهد فرمانبردار، مطیع و ساکت باشیم.» در مقاله جالب زیر* ملاحظه کرد.

اما در ایران، حجاب اجباری را می توان وجه نمادین از سرکوب گسترده و همه جانبه ای دانست که زنان ایران هرروز و هرلحظه در عرصه های گوناگون اجتماعی در جدال با آن هستند. با این همه هر نمادی نه بخودی خود بلکه در پیوند با محتوا و مجموعه مطالبات و ابعادآپارتایدی که در جریان است معنا پیدا می کند. از این پوشش و حجاب اجباری بیانگر مناسبات قدرتی است که حکومت اسلامی هویت و بقاء خویش را با آن گره زده است و بر همین پایه عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین رسوبات و باورهای واپس گرایانه و پدرسالانه را با بدترین وجوه استثمارگرایانه سرکوب زن باهم ترکیب کرده است. فراطبقاتی انگاشتن مطالبات و خواسته ای زنان و فراتر از آن رویکردتقلیل گرایانه به نماد یا نمادهای صرف و کنشگری های معطوف به آن از یکسو و نادیده گرفتن گستره های ویژه مبارزات زنان و سطوح گوناگون مطالبات و مبارزات آن ها از سوی دیگر، از چالش های مهمی هستند که جنبش زنان امروزه بیش از هر زمانی با آن ها مواجهند. شماری از این گونه چالش های مهم عبارتنداز:

۱- به موازات قطب بندی ها و صف آرائی های جامعه علیه استبدادحاکم، شاهد فرایندهای بندگی جامعه حول گفتمان های گوناگون در جنبش زنان نیز شاهداین گونه طیف بندی ها هستیم و تلاشی که برای شفاف کردن و صراحت بخشیدن به گفتمان هرکدام از این طیف ها در جریان است.

گفتمان درون سیستمی و معطوف به «اصلاح نظام» در صفوف مبارزه زنان علیه تبعیض جنسی (تا آن جا که به ۲- رویکردقدرت محور و پیشبردحقوق زنان با تکیه به آن برمی گردد)، رویکردی است که امروزه سترونی خود را به عیان نشان داده و بهمین دلیل از دامنه نفوذ و بردآن به مقدارزیادی کاسته شده است. بدیهی است که هنوز هم نقادین نوع کنشگری که تا همین دیروز هم سعی داشت که مجلس شورای اسلامی را با «نمایندگان» مدافع حقوق زن اشغال کند، تا زمانی که رژیم هم چنان برپاست و اصلاح طلبان برای دوام و همواره کردن مسیربازتولید آن می کوشند لازم است

از سوی دیگر با گفتمانی مواجه هستیم که در یک نظام هرمی- طبقاتی با دو ویژگی توأمان واپسگرایی و ابژه و کالاسازی -۳ همه عرصه های زندگی، تنها وجه واپسگرایانه را هدف می گیرد و در بهترین حالت فرضی، برای برابرحقوقی و یا کسب موقعیت برابر بین نخبگان زن با مردان نخبه و صاحب امتیازسیستم، یعنی «برابری در نابرابری» برای اقلیتی مرفه مبارزه می کنند که البته خوداین تجربه حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم نتوانسته است صورت تحقق بخود بگیرد. اکنون بخشی از آن ها طرفدار باصطلاح براندازی با تکیه به قدرت های بزرگ شده اند. آن هم بیش از همه به قدرتی که ویژگی ضدیت با حقوق و دستاوردهای زنان از ویژگی های بارز آن است که برای کسی که واقعا بدنبال حقوق زنان باشد چیزی جز مصداق منطق ماکیاولیستی هدف بکارگیری هر وسیله ای را توجیه می کند نیست.* در کنشگری هم عمدتا با خصلت برجسته کردن مبارزت فردی بجای تقویت کنش های جمعی و تقلیل مطالبات آن ها به یک یا چند مطالبه محدود و البته علم کردن سلبریتی هائی که با خیل گسترده ای از «دنبال کنندگان» همراه است

و بالأخره گرایش رو به رشدگفتمان فمینیسم رادیکال با سویه های ضرر سرمایه دارانه و ضدقدرت است که با کنشگری -۴ جمعی (حضور فعالانه بدنه اجتماعی) و طرح مجموعه ای از مطالبات و همبستگی متقابل با سایر جنبش های اجتماعی و مطالباتی شناسائی می شود. نه فقط در حوزه برابری حقوقی-سیاسی و یا حق زن برپوشش و بدن خود، بلکه هم چنین در عرصه نیروی کار به معنای گسترده آن از خدماتی و یدی و تا کار غیرمزدی و بازتولیدی و تا ابژه و کالاسازی بدن. این گرایش فمینیستی ضدسرمایه داری و ضد کالاسازی اساسا بر پایه گفتمان معطوف به پیوندجداشدنی برابری و آزادی، از ویژگی های عمده گفتمان سوم، صورت می گیرد که ریشه در واقعیت های عینی و تجربه زیسته چندین دهه ای جنبش مردم ایران علیه قدرت مستقر دارد و شاهدشدن آن در جنبش کارگری و معلمان و دانشجویان و .. نیز هستیم. حضورگسترده زنان در جنبش پراهمیت معلمان و طرح مطالبات همه جانبه توسط آن ها از مطالبات صنفی تا حق تشکل های مستقل و آموزش رایگان و آزادی زندانیان و همبستگی با کارگران، مبارزه پرستاران و یا دانشجویان علیه تبعیض جنسی در دانشگاه ها و یا بیانیه های ضدسرمایه داری توسط فعالان زن از مصادیق بارز آن است. با این همه در شرایط کنونی هنوز وزن بالقوگی گرایش فمینیستی این جنبش بدلیل فضای سرکوب حاکم بر کشور بر وزن بالفعلی آن می چربد. در حقیقت تأکید بر مطالبات اخص زنان در همه وجوه و سطوح خود و تشکل یابی حول آن ها توسط زنان به موازات تقویت پیوند آن با سایر جنبش های اجتماعی، هم چون دوایر جدا و متداخل دو فرایند مکملی بشمار می روند که هیچ کدام نمی تواند به ضرر وجه دیگر نادیده انگاشته شود. دیالکتیک این دوایر جدا و متداخل است که کلا پیشران تعمیق مطالبات و گسترش پایگاه اجتماعی در مقیاس کلان محسوب می شود

!خطاهائی که باید از آن ها حذر کرد

نکته پایانی آن که نه فقط انتقاد از تکیه یک جانبه بر شبکه های مجازی به معنی تقابل ذاتی آن با شبکه های حقیقی نیست -۵ بلکه آن ها مکمل یکدیگر و از دست آوردهای مهم بشر محسوب می شوند. بنابراین انتقاد به آن ها انتقاد به نگاه و بهره گیری یک جانبه از آن هاست و نمی تواند به معنی نادیده گرفتن اهمیت هر کدام از آن ها و در برابر هم قرار دادنشان باشد. چنان که انتقاد به تقلیل گرایی و بسنده کردن به مطالبات صرفا «حقوقی یا سیاسی» و یا به یک خواست و کنش های فردی به معنی نادیده گرفتن اهمیت آن ها نیست و نباید باشد. آن ها مکمل هم هستند

بطور کلی جنبش فمینیستی رادیکال را قبل از هر چیز باید و می توان در چارچوب مناسبت قدرت و مبارزات بی وقفه علیه آن قرارداد که از جمله علیه مردسالاری و دولت سالاری خادم تبعیض ها و سرمایه سالاری که برای افزایش سود و گرداندن

چرخه بازتولیدگسترده سرمایه، چه با نیروی کار ارزان زنان و چه حتی از کارمحانی و گسترده و بدون دستمزدزنان در کارهای خانگی و یا عرصه بازتولیدنسل و پرورش نیروی کار، و نیز کلا کالائی کردن حنیسیت و تن به ابژه ای که به اشکال مختلف و مستقیم یا غیرمستقیم، در کلیه شبکه های قدرت اعم از کلان و یا خرد، تحت سرکوب و اعمال خشونت و استثمار همه جانبه قرار دارد. بنابراین تقابل و نقد گفتمانی های اول و دوم را نباید به معنای تقابل قراردادن سطوح مختلف مبارزه زنان علیه تبعیضات گوناگون فهمید. برعکس یک استراتژی جامع و معطوف به یک جنبش نیرومندفمنیستی و ضدمناسبات قدرت، قاعدتا باید ضمن افشاء و انتقاد از محدودیت ها و یا گزندیسی نگاه به بالا و دخیل بستن به قدرت های درون یا بیرون، بتواند همه سطوح گوناگون مطالبات و مبارزات و سازمان یابی ها، از جمله شبکه های واقعی و مجازی و یا مطالبات حقوقی و مطالبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را به هم مرتبط سازد.

قاعدتا این گفتمان سوم و معطوف به جنبش های اجتماعی-مطالباتی با سویه های ضدسرمایه داری است که با تکیه بر نیروی اجتماعی و همبستگی با دیگر جنبش های اجتماعی-طبقاتی و با بهره گیری اصولی و سازنده از امکانات و فشارهای بین المللی، قادر به ارائه یک استراتژی معطوف به پیوند همه جوانب و سطوح مبارزاتی جنبش زنان باشد. مبارزاتی که در همه سطوح یاخته های اجتماعی از خردوکلان از خانه ها و خیابان ها و محل ها کار و خدمات تا سطوح کلان قدرت و با همه اشکال مناسبات اقتدارگرایانه از فرهنگی و اقتصادی و سیاسی جاری است و منبع تولید فقر و تباهی و تبعیض ها بشمار می روند، جاری هستند.

مارس ۲۰۱۹ تقی روزبه ۸

مانیفست فمنیستی

<https://pecritique.com/2019/03/06/%>

ملالی جویا: صلح با طالبان خطرناکتر از جنگ با این گروه است -*

این عبارت کوتاه و طلائی به خوبی هم ماهیت به غایت ارتجاعی و تا مغزاستخوان ضدزن طالبان را به نمایش می گذارد و هم ماهیت دولت آمریکا (و متحدین محلی و جهانی آن را) که چگونه برای نجات خود، عملا دارد افغانستان را به طالبان واگذار می کند. حالا این رویکرد را مقایسه کنید با یکی از فعالین زن در خارج کشور که در گفتگوی صفحه ۲ بی بی سی به مناسبت ۸ مارس چگونه از مداخله قدرت های خارجی و امثال پمپئوها برای رهای زنان در یک نظام توتالیتر دفاع می کند